

پیش بینی طلاق عاطفی بر اساس طرحواره های ناسازگار و صفات تاریک شخصیت در زنان شاغل شهر مرودشت

زهرا شکوهی

دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت

نوشاد قاسمی

گروه روان شناسی بالینی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مرودشت

Prediction of emotional divorce based on incompatible schemas and dark personality traits in working women of Maroodasht city

Zahra Shokohi

Islamic Azad University, Marvdasht Branch

Noshad Ghasemi

Department of Clinical Psychology, Islamic Azad University, Marvdasht Branch

Abstract:

The purpose of this research is to predict emotional divorce based on incompatible schemas and dark personality traits in working women. This study is of the correlation type, the statistical population of which is made up of 4900 working women of Morodasht city, of which 356 people were selected through cluster sampling according to the statistical sample size. The research tools included Guttman's emotional divorce scale (1994), Yang's maladaptive schemas scale (1994), and Johnson and Webster's (2010) dark personality traits scale, and the data were analyzed through Pearson's correlation test and stepwise regression analysis. The findings showed that there is a positive and significant relationship between dark personality traits and its dimensions with emotional divorce in working women ($P < 0.01$). Also, the results showed that there is a positive and significant relationship between the incompatible schemas (total) and the three dimensions of cut and rejection, other orientation and extreme callousness with emotional divorce in working women ($P < 0.01$). The results of the regression test also showed that the dimensions of incompatible schemas and dark personality traits are able to predict 36/0 of emotional divorce changes in working women. According to the findings of the current research, planning by therapists and health professionals is necessary to reduce emotional divorce in working women by reducing incompatible schemas and dark personality traits.

Keywords: *Emotional divorce, incompatible schemas, dark personality traits*

چکیده:

هدف این پژوهش پیش بینی طلاق عاطفی بر اساس طرحواره های ناسازگار و صفات تاریک شخصیت در زنان شاغل می باشد. این مطالعه از نوع همبستگی است که جامعه آماری آن را زنان شاغل شهر مرودشت به تعداد ۴۹۰۰ نفر تشکیل می دهند که تعداد ۳۵۶ نفر از طریق نمونه گیری خوشه ای متناسب با حجم نمونه آماری انتخاب گردیدند. ابزارهای پژوهش نیز شامل مقیاس طلاق عاطفی گاتمن (۱۹۹۴)، مقیاس طرحواره های ناسازگار یانگ (۱۹۹۴) و مقیاس صفات تاریک شخصیت جانسون و وبستر (۲۰۱۰) بود و داده ها نیز از طریق آزمون همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون گام به گام انجام گرفت. یافته ها نشان داد که میان صفات تاریک شخصیت و ابعاد آن با طلاق عاطفی در زنان شاغل رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد ($P < 0/01$). همچنین نتایج نشان داد که میان طرحواره های ناسازگار (کل) و سه بعد بریدگی و طرد، دیگر جهت مندی و گوش به زنگی افراطی با طلاق عاطفی در زنان شاغل رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد ($P < 0/01$). نتایج آزمون رگرسیون نیز نشان داد که ابعاد طرحواره های ناسازگار و صفات تاریک شخصیت قادرند تا ۳۶ درصد از تغییرات طلاق عاطفی را در زنان شاغل پیش بینی کنند. با توجه به یافته های پژوهش حاضر، برنامه ریزی توسط درمانگران و متخصصان سلامت برای کاهش طلاق عاطفی در زنان شاغل از طریق کاهش طرحواره های ناسازگار و صفات تاریک شخصیت ضروری است.

واژگان کلیدی: زنان شاغل، صفات تاریک شخصیت، طلاق عاطفی، طرحواره های ناسازگار.

مقدمه

یکی از قشرهای اثربخش جامعه که نیازمند توجه به سلامت روحی و روانی آنان می باشد، زنان متأهل هستند و وضعیت سلامت روانی و اجتماعی آنان تاثیر مهمی بر سلامت کودکان، خانواده، جامعه دارد. چرا که زنان اولین مراقبان سلامت خانواده و جامعه بوده و حتی آموزش و فرهنگ نیز از طریق سلامت زنان توسعه می یابد (امیدی و همکار، ۱۳۹۷). طلاق یکی از مهم ترین عواملی است که در مسیر زندگی اخلاص ایجاد می کند و روند رو به رشد آن منجر به افزایش خانواده های تک والدی شده است (ون گاسی و مرتلمنز^{۳۵}، ۲۰۲۰). آثار و عوارض منفی اخلاقی و اجتماعی طلاق برای زنان مطلقه، فرزندان طلاق و جامعه قابل مشاهده است؛ به طوری که طلاق و جدایی اثرات منفی زیادی هم از جنبه روانی و هم از جنبه جسمانی بر زوجین به جا می گذارد (دهقانی ششده و یوسفی، ۱۳۹۸). طلاق ها به دو زیر مجموعه تقسیم می شوند: طلاق آشکار که در آن زوجین با مراجعه به دادگاه به طور رسمی از یکدیگر جدا می شوند و طلاق پنهان که در این حالت بنا به ضرورت و اجبار با همدیگر زندگی می کنند که به این نوع طلاق، طلاق خاموش یا طلاق عاطفی نیز گفته می شود (پروین، داوودی و محمدی، ۱۳۹۰). اگرچه طلاق عاطفی به جدایی ختم نمی شود و زوجین به دلایلی همچنان در یک محیط و زیر یک سقف زندگی می کنند، اما زندگی آن ها به ازدواجی پوچ تبدیل می شود و فاقد عشق، مصاحبت و دوستی خواهد بود (حسینانی و کاویانی، ۱۳۹۸)؛ در واقع به طور کلی با کمبود اعتماد، احترام و محبت به یکدیگر، زوجین در صدد آزار و اذیت، ناکامی و تنزل عزت نفس یکدیگرند و هریک در جهت یافتن دلیلی برای تأیید عیب و کوتاهی و طرح دیگری هستند (کانتر، پرولکس و مونک^{۳۶}، ۲۰۱۹). معمولاً روابط عاطفی در زندگی زناشویی با هیجان و شور و شغف بالا شروع، اما پس از مدتی به علت غفلت و ناآگاهی یکی از زوجین یا هردو، این هیجان ها کاهش می یابد و کم کم به سردی گرایش پیدا می کند که به این وضعیت طلاق عاطفی می گویند (چیو^{۳۷} و همکاران، ۲۰۲۱). طلاق عاطفی وضعیتی است که در آن روابط زوجین دچار اختلال شده و سرمایه عاطفی بین زوجین به صورت انفعالی می باشد و زوجین علیرغم فقدان عشق، علاقه و صمیمیتی نسبت به یکدیگر از هم جدا نمی شوند (بی آزاری کاری، حیدری و اصغری گنجی، ۱۴۰۱). بر خلاف طلاق رسمی که زن و شوهر از یکدیگر جدا می شوند و هیچ تعهدی به یکدیگر ندارند، در طلاق عاطفی زن و شوهر با یکدیگر زیر یک سقف زندگی می کنند، اما بین آن ها روابط عاطفی وجود ندارد یا اینکه روابط عاطفی آن ها بسیار کم است (جاروان و آل فرهات^{۳۸}، ۲۰۲۰).

از عواملی که همواره می تواند روابط زوجین را تحت تأثیر قرار دهد، ویژگی های شخصیتی آن ها است. یکی از جدیدترین نظریه های مربوط به صفات شخصیت، سه صفت تاریک شخصیت است که هر کدام می توانند منجر به رفتارهای مخربی در روابط زناشویی شوند. صفات تاریک شخصیت، خوشه ای از سه ویژگی شخصیتی شامل خودشیفتگی، ماکیاوول گرایی و سایکوپاتی است که همه افراد میزانی از این صفات را دارا می باشند (کلادیش و اتکینسون^{۳۹}، ۲۰۱۶). ماکیاوول گرایی به عنوان یک صفت شخصیت با نگرش های بی اعتمادی، جاه طلبی، دورویی و دروغ گویی مشخص می شود (بشرپور و همکاران، ۱۴۰۰). ماکیاوول گراها بدبین اند؛ آنان بدون توجه به اخلاق،

35 . Van Gasse & Mortelmans

36 . Kanter, Proulx & Monk

37 . Chau

38 . Jarwan & Al-Frehat

39 . Koladich & Atkinson

مقابله ناسازگار تداوم می یابند و تشدید می شوند و به شکل مستقیم و غیر مستقیم سبب افزایش پریشانی روان شناختی و اختلال های شخصیت می شوند (میونیوئرا^{۴۶} و همکاران، ۲۰۲۰). طرحواره ها به بررسی این نکته می پردازند که افراد چگونه می اندیشند، چگونه مسائل را درک و پردازش می کنند و چگونه مسائل را به یاد می آورند. طرحواره های ناسازگار در واقع الگوها و درون مایه های عمیق و فراگیر هیجانی و شناختی خودآسیب رسان هستند که در دوران کودکی و نوجوانی شکل می گیرند و در بزرگسالی تداوم می یابند، به طوری که به شدت ناکارآمد هستند و بر ادراک و ارزیابی فرد تأثیر منفی می گذارند (طارق^{۴۷} و همکاران، ۲۰۲۱).

طرحواره های ناسازگار با توجه به پنج نیاز هیجانی ارضا نشده در پنج حیطه بریدگی و طرد^{۴۸}، خودگردانی مختل^{۴۹}، دیگر جهت مندی^{۵۰}، گوش به زنگی افراطی^{۵۱} و محدودیت های مختل^{۵۲} قرار می گیرند. افرادی که طرحواره آن ها در حیطه بریدگی و طرد قرار دارد، نمی توانند دلبستگی ایمن و رضایت بخشی با دیگران برقرار سازند، خانواده های سرد و بی عاطفه دارند و باور دارند که نیاز آن ها به ثبات، محبت، عشق و تعلق خاطر هیچگاه برآورده نخواهد شد. افرادی که طرحواره آنان در حیطه خودگردانی مختل قرار دارد، از خود و محیط انتظاراتی دارند که در توانایی آن ها برای تفکیک خود از والدین و دستیابی به عملکرد مستقل مانع ایجاد می کند، چون خانواده های این افراد از آن ها گاهی به شدت حمایت و گاهی به ندرت مراقبت می کردند. افرادی که طرحواره آنان در حیطه دیگر جهت مندی قرار دارد، به جای رسیدگی به نیازهای خود به دنبال ارضای نیازهای دیگران هستند. چون آنان در کودکی آزاد نبودند تا از تمایل ها و خواسته های طبیعی خود پیروی کنند و در بزرگسالی به جای اینکه از درون جهت دهی شوند، از بیرون (توسط دیگران) هدایت می شوند. افرادی که طرحواره آنان در حیطه گوش به زنگی افراطی قرار دارد، احساس ها و تکانه های خودانگیزه را واپس رانی می کنند و آن ها اغلب تلاش می نمایند تا بتوانند طبق قواعد انعطاف ناپذیر و درونی شده خود عمل کنند. چون این افراد در کودکی به تفریح تشویق نشدند و به جای آن یادگرفتند که گوش به زنگ حوادث منفی باشند. افرادی که طرحواره آن ها در حیطه محدودیت های مختل قرار دارد، شخصیت آن ها درباره احترام متقابل و خویشن داری به اندازه کافی رشد نکرده و دارای مشکلات فراوانی در زمینه احترام به حقوق دیگران، همکاری، متعهد بودن و دستیابی به اهداف بلند مدت هستند (بی آنزلی کابی و همکاران، ۱۴۰۱).

اغلب به دنبال ارضای نیازهای شان با سوء استفاده از دیگران هستند (فاکس و رونی^{۴۰}، ۲۰۱۵). سایکوپاتی صفت تاریک دیگری است که فقدان همدلی با دیگران و عدم ندامت از گناه یا اشتباه از مشخصه های عمده آن است (بشرپر و میری، ۱۳۹۷) و خودشیفتگی نیز شامل یک الگوی درازمدت از رفتارهای غیر عادی است که با احساسات اغراق آمیز از اهمیت خود، نیاز بیش از حد به تحسین و عدم درک احساسات دیگران همراه است (جورج و شورت^{۴۱}، ۲۰۱۸).

یافته های پیشین نیز نشان داده اند که میان صفات تاریک شخصیت با برخی عوامل عاطفی و مرتبط با زوجین رابطه وجود دارد. جانسون و کروز^{۴۲} (۲۰۱۳) دریافتند که هر کدام از ابعاد سه گانه تاریک شخصیت با شکل خاصی از نقص عاطفی مرتبط است. همچنین یافته های علوی، کای می و مهری زاد (۲۰۱۸) نیز نشان داد که صفت شخصیتی ماکیاولی خیانت زناشویی را پیش بینی می کند و اویزال^{۴۳} (۲۰۱۶) نیز نشان داد که هر سه جنبه تاریک شخصیت (ماکیاول گرایی، خودشیفتگی و ضد اجتماعی) با صمیمیت جنسی و صمیمیت زناشویی رابطه معکوس و معنادار دارد. پژوهش اینانسی، لانگ و برکزکی^{۴۴} (۲۰۱۶) نیز نشان داد که ماکیاول گرایی با صمیمیت، گرمی، سازگاری و وفاداری در روابط عاشقانه همبستگی منفی دارد. همان گونه که بررسی یافته های تجربی پیشین نیز نشان می دهد، غالب پژوهش هایی که به بررسی صفات تاریک شخصیت و رابطه آن با سایر متغیرها پرداخته اند، این صفات را در مردان و زنان و مردان توأمان مورد بررسی قرار داده اند و کمتر پژوهشی این متغیر را در زنان شاغل مورد بررسی قرار داده اند.

در بررسی علت طلاق عاطفی علاوه بر عوامل اجتماعی، اقتصادی و حقوقی، توجه به علل فردی و روان شناختی از جمله طرحواره های ناسازگار^{۴۵} که منجر به طلاق عاطفی می شوند نیز از اهمیت ویژه ای برخوردار است (جلالوند و همکاران، ۱۴۰۱). طبق تعریف یانگ، طرحواره های ناسازگار، الگوها یا درون مایه های عمیق و فراگیری هستند که در دوران کودکی یا نوجوانی شکل گرفته اند، در مسیر زندگی تداوم دارند، به رابطه فرد با خود و دیگران مربوط می شوند و به شدت ناکارآمد هستند (یانگ، ۲۰۰۳، ترجمه حمیدپور و اندوز، ۱۳۹۸).

طرحواره های ناسازگار سبب ایجاد و تداوم مشکلات روانشناختی در فرد می شوند (موسوی خرمی، دوکانه ای فرد و خاکپور، ۱۳۹۹). این طرحواره ها از طریق تحریف های شناختی و روش های

- 46 . Munuera
- 47 . Tariq
- 48 . Disconnection and Rejection
- 49 . Impaired Autonomy
- 50 . Other Directedness
- 51 . Over Vigilance
- 52 . Impaired Limitations

- 40 . Fox & Rooney
- 41 . George & Short
- 42 . Jonason & Krause
- 43 . Uysal
- 44 . Inançsi, Lang, & Bereczkei
- 45 . Maladaptive Schemas

۴۹۰۰ نفر می باشد. جهت تعیین حجم نمونه آماری از فرمول تعیین حجم نمونه آماری مورگان و با احتساب ۱۰ درصد احتمال افت، تعداد ۳۵۶ نفر به عنوان نمونه آماری انتخاب گردید. نمونه گیری مورد استفاده، خوشه ای متناسب با حجم نمونه آماری است، چرا که با توجه به گستردگی حجم جامعه آماری و همچنین متفاوت بودن جامعه آماری در برخی متغیرها همچون نوع شغل (کارمند، معلم، مغازه) روش نمونه گیری خوشه ای می تواند باعث گردد که هر کدام از گروه های آماری به تناسب تعدادشان نسبت به کل جامعه آماری، انتخاب گردند.

جهت جمع آوری داده های آماری پژوهش حاضر از ابزارهای زیر استفاده گردیده است:

الف) مقیاس طلاق عاطفی^{۵۳}:

این آزمون شامل ۲۴ پرسش است که توسط گاتمن^{۵۴} (۱۹۹۹) به شکل دو گزینه ای به صورت بلی (۱) و خیر (۰) تنظیم شده است. شیوه تحلیل این ابزار بدین گونه است که پس از جمع کردن پاسخ های مثبت، چنان چه تعداد آن برابر هشت و یا بالاتر باشد، به معنای این است که زندگی زناشویی فرد در معرض جدایی قرار داشته و علائمی از طلاق عاطفی در وی مشهود است. این ابزار یک پرسشنامه تک بعدی است.

در نسخه اصلی این مقیاس، گاتمن (۱۹۹۹)، ضریب پایایی این ابزار را ۰/۷۴ گزارش کرده است و در ایران نیز در پژوهش موسوی و رحیمی نژاد (۱۳۹۴) پایایی این ابزار از طریق آزمون آلفای کرونباخ ۰/۹۳ گزارش شده است.

ب) پرسشنامه سه صفت تاریک شخصیت^{۵۵}:

این ابزار توسط جانسون و وبستر^{۵۶} (۲۰۱۰) ساخته شده است و شامل ۱۲ گویه است که سه صفت تاریک (۱) ماکیاول گرایی (سوالات ۱ تا ۴)، سایکوپاتی (سوالات ۵ تا ۱۲) و (۳) خودشیفتگی (سوالات ۱۳ تا ۲۴) را می سنجد. آزمودنی ها به گویه های این آزمون در مقیاس لیکرت ۵ درجه ای از ۱ (کاملاً مخالفم) تا ۵ (کاملاً موافقم) پاسخ می دهند که نمره بالا نشان دهنده بیشتر بودن آن صفت در فرد است. جانسون و وبستر (۲۰۱۰) ضریب پایایی این ابزار از طریق آزمون آلفای کرونباخ برای کل مقیاس ۰/۸۶ گزارش کرده است. در ایران نیز پایایی این ابزار در پژوهش بشرپور و شفیعی (۱۳۹۴) برابر با ۰/۸۱ گزارش شده است.

ج) پرسشنامه طرحواره های ناسازگار اولیه^{۵۷}:

این مقیاس توسط یانگ (۱۹۹۴) با ۷۵ گویه در پنج حیطه شامل (۱) بریدگی و طرد (گویه های ۱ الی ۲۵)، (۲) خودگردانی مختل (گویه های ۲۶ الی ۴۵)، (۳) دیگر جهت مندی (گویه های ۴۶ الی

در باره روابط طرحواره های ناسازگار با طلاق عاطفی پژوهش های اندکی انجام شده، اما همین پژوهش های محدود نیز مؤید رابطه معنادار میان طرحواره های ناسازگار با طلاق عاطفی در زوجین هستند. پژوهش بی آزاری کاری و همکاران (۱۴۰۱) نشان داد که طرحواره های ناسازگار اولیه و سه طرحواره شامل بریدگی و طرد، دیگر جهت مندی و گوش به زندگی افراطی با طلاق عاطفی در زوجین دارای رابطه مثبت و معنی داری هستند. همچنین پژوهش جلالوند و همکاران (۱۴۰۰) نشان داد که طرحواره های بریدگی و طرد و گوش به زندگی افراطی اثر مستقیم و معناداری بر طلاق عاطفی دارند. موسوی خرمی و همکاران (۱۳۹۹)، بازدار و موسوی (۱۳۹۷) و علوی لوانسانی و احمدی ظهور سلطانی (۱۳۹۶) از جمله دیگر تحقیقاتی هستند که وجود رابطه معنی دار میان طرحواره های ناسازگار با طلاق عاطفی را به اثبات رسانده اند.

رسیدن به مرحله طلاق عاطفی می تواند علل مختلفی داشته باشد که از جمله عواملی که می تواند در زنان باعث بروز طلاق عاطفی گردد می توان به کار و اشتغال بیش از حد و مشکلات اقتصادی و مالی اشاره کرد (موسوی و رحیمی نژاد، ۱۳۹۴) و همین مسئله بر ضرورت توجه به مسئله طلاق عاطفی در زنان شاغل می افزاید. علی رغم ضرورت های موجود و با توجه به اینکه زنان شاغل به دلیل اینکه همزمان نقش های متعدد مادر بودن، همسر بودن و شاغل بودن و ... را می پذیرند، می توانند در معرض مشکلات عاطفی و روانی متعددی قرار گیرند و بر همین اساس نیز، احساس گردید که عواملی همچون صفات تاریک شخصیت و طرحواره های ناسازگار در این گروه از افراد می تواند دستخوش تغییرات گردد و در نهایت نیز این تغییرات منجر به بروز حالات عاطفی همچون طلاق عاطفی گردد. از سویی دیگر بررسی پژوهش های پیشین نشان می دهد که مسئله طلاق عاطفی و پیش بینی آن بر اساس طرحواره های ناسازگار و صفات تاریک شخصیت در قالب یک پژوهش جداگانه مورد بررسی قرار نگرفته است و همچنین این رابطه در زنان شاغل نیز کمتر مورد توجه قرار گرفته است، بر همین اساس و با توجه به محدودیت های پژوهش های پیشین، هدف اصلی پژوهش حاضر عبارت است از پیش بینی طلاق عاطفی بر اساس صفات تاریک شخصیت و طرحواره های ناسازگار در زنان شاغل.

روش

پژوهش حاضر به لحاظ هدف، کاربردی و از نظر روش تحقیق، توصیفی پیمایشی از نوع همبستگی است.

جامعه آماری پژوهش شامل کلیه زنان شاغل شهر مرودشت می باشد که شامل زنان شاغل در ادارات دولتی، معلم، زنان کارمند در ادارات و بنگاه های خصوصی می گردد که با توجه به برآورد انجام گرفته و استعلام گرفته شده از ادارات آموزش و پرورش شهر مرودشت و همچنین اتاق اصناف این شهر، تعداد آن ها برابر با

- 53 . Emotional Divorce Questionnaire
- 54 . Gottman
- 55 . Dark Triad traits Questionnaire
- 56 . Jonason & Webster
- 57 . Early Maladaptive Schemas Questionnaire

۵۵). ۴) گوش به زنگی افراطی (گویه های ۵۶ الی ۶۵) و ۵) محدودیت های مختل (گویه های ۶۶ الی ۷۵) طراحی گردیده است. گویه ها در این پرسشنامه به صورت طیف شش درجه ای لیکرت از کاملاً نادرست (نمره ۱) تا کاملاً درست (نمره ۶) نمره گذاری و نمره ابزار با مجموع نمره گویه ها و نمره هر حیطه با مجموع نمره گویه های آن حیطه محاسبه می شود. بنابراین دامنه نمرات کل این ابزار بین ۷۵ الی ۴۵۰، حیطه بریدگی و طرد ۲۵ الی ۱۵۰، حیطه خودگردانی مختل ۲۰ الی ۱۲۰، حیطه های دیگر جهت مندی، گوش به زنگی افراطی و محدودیت های مختل نیز در دامنه ۱۰ الی ۶۰ قرار خواهد داشت و نمره بالاتر نشان دهنده داشتن طرحواره های ناسازگار بیشتر می باشد. یانگ (۱۹۹۹) روایی سازه ابزار را با روش تحلیل عاملی اکتشافی بررسی و نتایج حاکی از وجود پنج عامل فوق بود و پایایی کل و حیطه ها در دامنه ۰/۸۳ تا ۰/۹۶ گزارش شده است. در ایران نیز جلالی و سروقد (۱۳۹۱) ضمن بررسی و تأیید روایی محتوایی مقیاس فوق با نظر متخصصان، پایایی کل این ابزار و پنج حیطه بریدگی و طرد، خودگردانی مختل، دیگر جهت مندی، گوش به زنگی افراطی و محدودیت های مختل را با روش آلفای کرونباخ به ترتیب ۰/۹۵، ۰/۹۰، ۰/۸۹، ۰/۷۶، ۰/۷۵ و ۰/۷۴ گزارش کرده اند. تجزیه و تحلیل داده ها در پژوهش حاضر در دو سطح توصیفی و استنباطی انجام می گیرد. در سطح آماری توصیفی از شاخص های توصیفی میانگین، انحراف معیار، واریانس، کمینه و بیشینه و ... استفاده شد و در سطح آمار استنباطی نیز از آزمون همبستگی و آزمون رگرسیون چندمتغیره استفاده شد. ضمن اینکه تحلیل های فوق به کمک نرم افزار SPSS نسخه ۲۵ انجام گرفته است.

یافته ها

در جدول شماره (۱)، شاخص های فراوانی و درصد فراوانی متغیرهای سن، تحصیلات و نوع شغل برای نمونه آماری گزارش شده است.

جدول ۱. توصیف فراوانی و درصد فراوانی افراد بر حسب سن و تحصیلات و نوع شغل

متغیر	گروه ها	فراوانی	درصد فراوانی
سن	۲۰-۲۵ سال	۲۹	۸/۱
	۲۶-۳۰ سال	۹۴	۲۶/۴
	۳۱-۳۵ سال	۷۳	۲۰/۵
	۳۶-۴۰ سال	۱۱۰	۳۰/۹
	بالاتر از ۴۰ سال	۵۰	۱۴/۱
تحصیلات	دیپلم و کمتر	۶۷	۱۸/۸
	کاردانی	۴۷	۱۳/۲
	کارشناسی	۱۹۱	۵۳/۷
	کارشناسی ارشد	۵۱	۱۴/۳
	کارمند رسمی	۶۴	۱۸/۰
نوع شغل	معلم	۹۶	۲۷/۰
	کارمند غیر دولتی	۵۳	۱۴/۹
	فروشنده / مغازه دار	۵۹	۱۶/۷
	کارگر	۳۱	۸/۷
	سایر موارد	۵۳	۱۴/۹
	کل	۳۵۶	۱۰۰

جدول ۲. آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	انحراف استاندارد	واریانس	کمینه	بیشینه
بریدگی و طرد	۷۶/۰۸	۱۸/۴۹	۵۴/۱۶	۳۸/۰۰	۱۰۴/۰۰
خودگردانی مختل	۶۴/۰۴	۹/۴۹	۶/۲۲	۲۴/۰۰	۹۶/۰۰
دیگر جهت مندی	۲۷/۱۴	۶/۹۳	۸/۶۰	۱۱/۰۰	۵۹/۰۰
گوش به زنگی افراطی	۳۴/۹۰	۶/۳۸	۱۹/۲۳	۱۷/۰۰	۸۱/۰۰
محدودیت های مختل	۲۹/۹۸	۱۳/۶۸	۱۸۷/۱۶	۲۴/۰۰	۷۶/۰۰
طرحواره های ناسازگار	۲۳۲/۱۴	۳۲/۹۰	۸/۴۲	۸۹/۰۰	۳۸۴/۰۰
ماکیاول گرایی	۱۳/۱۹	۲/۳۹	۵/۷۲	۸/۰۰	۱۷/۰۰
خودشیفتگی	۱۲/۳۳	۱/۷۰	۲/۸۹	۸/۰۰	۲۰/۰۰
سایکوپاتی	۱۴/۵۹	۱/۳۳	۱/۷۷	۱۴/۰۰	۱۹/۰۰
صفات تاریک شخصیت	۴۰/۱۱	۶/۸۴	۱۵/۷۲	۲۶/۰۰	۵۶/۰۰
طلاق عاطفی	۹/۲۴	۳/۴۶	۵/۱۷	۴/۰۰	۱۸/۰۰

جدول ۲، بیانگر آمار توصیفی متغیرهای پژوهش و ابعاد آن می باشد. یافته های توصیفی برای متغیرهای تحقیق حاکی از آن است که میانگین و (انحراف استاندارد) طرحواره های ناسازگار برابر با ۲۳۲/۱۴ (۳۲/۹۰) می باشد و از میان خرده مقیاس های آن، میانگین و (انحراف استاندارد) بریدگی و طرد برابر با ۷۶/۰۸ (۱۸/۴۹)، خودگردانی مختل برابر با ۶۴/۰۴ (۹/۴۹)، دیگر جهت مندی برابر با ۲۷/۱۴ (۶/۹۳) و میانگین و (انحراف استاندارد) محدودیت های مختل نیز برابر با ۲۹/۹۸ (۱۳/۶۸) است. همچنین نتایج آمار توصیفی نشان داد که میانگین و انحراف استاندارد صفات تاریک شخصیت برابر است با ۴۰/۱۱ (۶/۸۴) و برای ابعاد آن نیز، میانگین شخصیت ماکیاول گرایی برابر با ۱۳/۱۹، خودشیفتگی برابر با ۱۲/۳۳ و شخصیت سایکوپاتی نیز برابر با ۱۴/۵۹ می باشد. همچنین نتایج نشان داد که میانگین و انحراف استاندارد متغیر طلاق عاطفی نیز برابر با ۹/۲۴ (۳/۴۶) می باشد.

جدول ۳. ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش

متغیر	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱
۱- بریدگی و طرد	۱										
۲- خودگردانی مختل	۰/۱۸۹*	۱									
۳- دیگر جهت مندی	۰/۴۰۲**	۰/۲۰۱*	۱								
۴- گوش به زنگی افراطی	۰/۴۵۸**	۰/۳۱۹**	۰/۳۴۸**	۱							
۵- محدودیت های مختل	۰/۲۴۱*	۰/۳۰۱**	۰/۲۱۹*	۰/۱۹۶*	۱						
۶- طرحواره های ناسازگار	۰/۶۱۸**	۰/۳۶۴**	۰/۵۴۳**	۰/۶۱۷**	۰/۳۶۱**	۱					
۷- ماکیاول گرایی	۰/۴۱۹**	۰/۴۱۷**	۰/۲۱۴*	۰/۱۰۲	۰/۳۴۹**	۰/۳۹۴**	۱				
۸- خودشیفتگی	۰/۲۹۸*	۰/۲۷۴*	۰/۳۱۰**	۰/۱۷۴*	۰/۳۷۹**	۰/۳۲۰**	۰/۴۶۰**	۱			
۹- سایکوپاتی	۰/۴۴۲**	۰/۴۰۹**	۰/۳۱۴**	۰/۲۴۹**	۰/۳۸۶**	۰/۴۰۲**	۰/۳۳۹**	۰/۲۱۳*	۱		
۱۰- صفات تاریک شخصیت	۰/۴۱۷**	۰/۳۷۴**	۰/۳۰۹**	۰/۲۷۴**	۰/۳۴۸**	۰/۳۹۲**	۰/۶۵۵**	۰/۵۸۸**	۰/۴۳۷**	۱	
۱۱- طلاق عاطفی	۰/۴۲۸**	۰/۰۹۷	۰/۳۸۴**	۰/۴۷۱**	۰/۱۰۱	۰/۴۱۸**	۰/۳۲۷**	۰/۲۶۵**	۰/۴۰۶**	۰/۳۰۶**	۱

جهت سنجش فرضیه اصلی پژوهش از آزمون رگرسیون چندگانه استفاده شده است. یکی از پیش فرض های انجام رگرسیون چندگانه، بررسی روابط خطی میان متغیرهای پیش بین با متغیر ملاک است که این هدف به کمک نمودار پراکندگی مورد بررسی قرار گرفت و نتایج نشان داد که میان متغیرهای پیش بین با متغیر ملاک روابط خطی وجود دارد.

جدول ۴. تحلیل رگرسیون پیش بینی طلاق عاطفی بر اساس طرحواره های ناسازگار و صفات تاریک شخصیت

معنی داری	F	ضریب تعدیل شده (AR)	ضریب تبیین (R^2)	ضریب رگرسیون (R)	درجه آزادی	مجموع مربعات	
					۲	۱۶۴۹۶/۳۴	مدل رگرسیونی
۰/۰۰	۳۰/۴۲	۰/۳۵۵	۰/۳۶۲	۰/۶۰۲	۳۳۲	۳۰۹۰۷/۹۵	باقیمانده
					۳۳۴	۴۷۴۰۴/۳۰	مجموع

یافته های جدول (۴) نشان می دهد که در این مطالعه مدل رگرسیونی پیش بینی طلاق عاطفی بر اساس طرحواره های ناسازگار و صفات تاریک شخصیت معنی دار است ($P \leq 0/01$) و ضریب تبیین ($R^2 = 0/362$) نشان می دهد که حدود ۳۶ درصد از تغییرات طلاق عاطفی توسط مولفه های طرحواره های ناسازگار و صفات تاریک شخصیت قابل پیش بینی است.

جدول ۵. نتایج آزمون رگرسیون چندگانه به شیوه گام به گام برای پیش بینی متغیر طلاق عاطفی

گام	متغیر پیش بین	ضرایب غیر استاندارد		ضریب استاندارد	T	P<	R	R^2	R adj	F	P<
		B	خطای معیار								
۱	مقدار ثابت	۱۶۲/۱۸	۴/۷۱		۳۴/۴۰	۰/۰۰	۰/۴۰۶	۰/۱۶۴	۰/۱۵۹	۳۹/۸۰	۰/۰۰
	گوش به زنگی افراطی	۱/۷۸	۰/۲۸	۰/۵۰۷	۶/۳۰۹	۰/۰۰					
۲	مقدار ثابت	۱۶۶/۲۸	۴/۸۰		۳۴/۶۴	۰/۰۰	۰/۵۱۸	۰/۲۶۸	۰/۲۶۲	۲۵/۱۲۷	۰/۰۰
	گوش به زنگی افراطی	۱/۴۴	۰/۲۹	۰/۴۱۰	۴/۸۱۴	۰/۰۰					
	بریدگی و طرد	۰/۸۰۶	۰/۲۸۵	۰/۲۴۱	۲/۸۳۲	۰/۰۰۱					
۳	مقدار ثابت	۱۷۱/۲۴	۴/۹۲		۳۵/۰۵	۰/۰۰۱	۰/۵۷۶	۰/۳۳۱	۰/۳۱۷	۱۹/۱۸۴	۰/۰۰۲
	گوش به زنگی افراطی	۱/۰۹	۰/۳۲	۰/۳۵۲	۲/۲۱۷	۰/۰۰۱					
	بریدگی و طرد	۰/۶۱۸	۰/۳۰۹	۰/۱۶۸	۱/۳۹	۰/۰۰۱					
	شخصیت سایکوپاتی	۰/۴۲۱	۰/۲۶۷	۰/۱۰۳	۱/۱۸	۰/۰۰۳					

متغیر ملاک: طلاق عاطفی

جدول فوق نتایج رگرسیون گام به گام جهت پیش بینی طلاق عاطفی بر اساس ابعاد طرحواره های ناسازگار و صفات تاریک شخصیت را نشان می دهد و همان گونه که مشخص است در گام نخست، متغیر گوش به زنگی افراطی به تنهایی قادر است تا حدود ۱۶ درصد از واریانس طلاق عاطفی را تبیین نماید ($R^2 = 0/164$) و با توجه به مقدار ضریب استاندارد ($Beta = 0/507$) و ($F = 39/80$) این رابطه را می توان مثبت (مستقیم) دانست. ($P \leq 0/01$) نتایج همچنین نشان می دهد که در گام دوم با اضافه شدن دیگر متغیر پیش بین، یعنی متغیر

بریدگی و طرد، قدرت پیش بینی به حدود ۲۷ درصد افزایش یافته است ($R^2=0/268$)، یعنی با اضافه شدن بعد بریدگی و طرد، قدرت پیش بینی حدود ۱۱ درصد افزایش یافته است که با توجه به مقدار ضریب استاندارد ($Beta=0/241$) این رابطه را می توان مثبت و معنی دار ارزیابی نمود. ($P\leq 0/01$)، بدین معنا که متغیر بریدگی و طرد قادر است به تنهایی ۱۱ درصد از تغییرات طلاق عاطفی را در زنان تبیین نماید. در گام سوم نیز دیگر متغیر پیش بین یعنی بعد شخصیتی سایکوپاتی وارد تحلیل رگرسیون گردید و نتایج نشان داد که در این گام با اضافه شدن بعد شخصیتی سایکوپاتی، قدرت پیش بینی طلاق عاطفی بر اساس سه مولفه مذکور به ۳۳ درصد افزایش یافت ($R^2=0/331$)، یعنی با اضافه شدن بعد شخصیت سایکوپاتی، قدرت پیش بینی حدود ۶ درصد افزایش یافته است که با توجه به مقدار ضریب استاندارد ($Beta=0/103$) این رابطه را می توان مثبت و معنی دار ارزیابی نمود. ($P\leq 0/01$)، بدین معنا که متغیر شخصیت سایکوپاتی قادر است به حدود ۶ درصد از تغییرات طلاق عاطفی را در زنان تبیین نماید. نتایج نشان داد که در گام های بعدی و با اضافه شدن سایر متغیرها، معامله پیش بینی طلاق عاطفی معنی دار نبود و تنها همین سه بعد به شکل معنی داری قادرند که طلاق عاطفی را تبیین نمایند. بدین ترتیب می توان نتیجه گرفت که فرضیه پژوهش در رابطه با پیش بینی طلاق عاطفی بر اساس ابعاد طرحواره های ناسازگار و صفات تاریک شخصیت تأیید می گردد. بدین صورت که طرحواره های ناسازگار و صفات تاریک شخصیت قادرند تا ۳۶ درصد از تغییرات طلاق عاطفی را در زنان شاغل تبیین نمایند که در این میان سه مولفه گوش به زنگی افراطی (۱۶ درصد)، بریدگی و طرد (۱۱ درصد) و شخصیت سایکوپاتی (۶ درصد) بهترین پیش بین ها برای طلاق عاطفی محسوب می گردند.

بحث و نتیجه گیری

در پژوهش حاضر به پیش بینی طلاق عاطفی در زنان شاغل شهر مرودشت بر اساس طرحواره های ناسازگار و صفات تاریک شخصیت پرداخته شد. بررسی پیش بینی طلاق عاطفی بر اساس مولفه های طرحواره های ناسازگار و صفات تاریک شخصیت نشان داد که طرحواره های ناسازگار و صفات تاریک شخصیت قادرند تا ۳۶ درصد از تغییرات طلاق عاطفی را در زنان شاغل تبیین نمایند که در این میان سه مولفه گوش به زنگی افراطی (۱۶ درصد)، بریدگی و طرد (۱۱ درصد) و شخصیت سایکوپاتی (۶ درصد) بهترین پیش بین ها برای طلاق عاطفی محسوب می گردند.

نتایج فوق با یافته های بی آزاری کاری و همکاران (۱۴۰۱)، بازدار و موسوی (۱۳۹۷) و اکبری و همکاران (۱۳۹۵) همسو بود. در تفسیر و تشریح یافته های فوق می توان استنباط کرد که طرحواره های ناسازگار در نتیجه تجربه های ناموفق و روابط ناهنجار دوره کودکی و صفات تاریک شخصیت نیز در نتیجه همین روابط در کودکی و بزرگسالی شکل می گیرند و تداوم می یابند و بر ویژگی های روان شناختی افراد در بزرگسالی تأثیر می گذارند. علاوه بر آن، طرحواره های ناسازگار و صفات تاریک شخصیت با بسیاری از شاخص های روان شناختی منفی مثل استرس، اضطراب، افسردگی و عزت نفس پایین رابطه مثبت و با بسیاری از شاخص های مثبت مثل شادکامی، امیدواری، خوش بینی و تاب آوری رابطه منفی دارند. از آنجایی که طلاق عاطفی یک شاخص منفی روان شناختی است، لذا می توان انتظار داشت که سایر شاخص های روان شناختی منفی با آن همبستگی مثبت و شاخص های روان شناختی مثبت، با آن همبستگی منفی داشته باشند. در نتیجه منطقی است که طرحواره های ناسازگار و صفات تاریک شخصیت و به ویژه دو طرحواره بریدگی و طرد و گوش به زنگی افراطی و صفت شخصیتی سایکوپاتی در زوجین دارای قدرت پیش بینی طلاق عاطفی باشند. به طور کلی نتایج مطالعه حاضر نشان داد که میان طرحواره های ناسازگار و صفات تاریک شخصیت با طلاق عاطفی رابطه مثبت و معنی داری وجود دارد و صفات تاریک شخصیت و طرحواره های ناسازگار قادرند تا ۳۶ درصد از تغییرات طلاق عاطفی در زنان شاغل را پیش بینی نمایند.

بر مبنای نتایج به دست آمده از پژوهش حاضر که نشان داد طرحواره های ناسازگار و صفات تاریک شخصیت قادر به پیش بینی طلاق عاطفی در زنان شاغل هستند بنابراین، برنامه ریزی توسط درمانگران و متخصصان سلامت برای کاهش طلاق عاطفی از طریق کاهش طرحواره های ناسازگار به ویژه دو طرحواره بریدگی و طرد و گوش به زنگی افراطی و همچنین صفات تاریک شخصیت و به ویژه صفت شخصیتی سایکوپاتی، ضروری است. در نتیجه برای کاهش سطح طلاق عاطفی در زوجین، می توان با استفاده از کارگاه های آموزشی، بروشورها و کتابچه های آموزشی گام موثری در جهت کاهش و تعدیل طرحواره های ناسازگار و صفات تاریک شخصیت برداشت. علاوه بر این، با توجه به رابطه مثبت و معنی دار میان طرحواره های ناسازگار با طلاق عاطفی و با توجه به اینکه این طرحواره ها غالباً در دوران کودکی و نوجوانی شکل می گیرند، لذا برگزاری جلسات آموزش خانواده و کارگاه های آموزشی برای خانواده ها و معلمان جهت جلوگیری از شکل گیری طرحواره های ناسازگار اولیه در دوران کودکی و نوجوانی می تواند مفید واقع شود.

منابع

- اکبری، ابراهیم؛ عظیمی، زینب؛ طالبی، سعیده؛ فهیمی، صمد (۱۳۹۵). پیش بینی طلاق عاطفی زوجین بر اساس طرحواره های ناسازگار اولیه، تنظیم هیجان و مولفه های آن. دوفصلنامه علمی پژوهشی روان شناسی بالینی و شخصیت. دوره ۱۴، شماره ۲۷، ۹۲-۷۹.
- بازدار، خالد؛ موسوی، سیداصغر (۱۳۹۷). بررسی و تحلیل نقش طرحواره های ناسازگار اولیه و کمال گرایی منفی در پیش بینی طلاق عاطفی بین زوجین. فصلنامه فرهنگی - تربیتی زنان و خانواده. دوره ۱۳، شماره ۴۳، ۹۳-۱۱۶.
- بشرپور، سجاد؛ شفیعی، معصومه (۱۳۹۴). ویژگی های روان سنجی نسخه فارسی فرم کوتاه مقیاس سه صفت تاریک شخصیت در دانشجویان. فصلنامه پژوهش در سلامت روانشناختی. دوره ۹، شماره ۱، ۱۱-۱.
- بشرپور، سجاد؛ فریور، مهران؛ عبادی، متینه (۱۴۰۰). مدل یابی علی طلاق عاطفی در زنان بر اساس صفات تاریک شخصیت: با نقش میانجی عزت نفس جنسی. فصلنامه مطالعات زن و خانواده، پژوهشکده زنان دانشگاه الزهرا. دوره ۹، شماره ۲۰: ۵۸-۳۷.
- بشرپور، سجاد؛ میری، میرنادر (۱۳۹۷). نقش واسطه ای بی اشتیاقی اخلاقی در رابطه بین صفات تاریک شخصیت و استعداد خیانت زناشویی. مجله روانشناسی. دوره ۲۲، شماره ۳، ۲۸۶-۲۷۱.
- بی آزاری کاری، فوزان؛ حیدری، شعبان؛ اصغری گنجی، عسکر (۱۴۰۱). پیش بینی طلاق عاطفی بر اساس طرحواره های ناسازگار اولیه در زوجین دارای مشکلات زناشویی. فصلنامه تعالی مشاوره و روان درمانی. دوره ۱۱، شماره ۴۳، ۱۲-۱.
- پروین، ستار؛ داودی، مریم؛ محمدی، فریبرز (۱۳۹۰). عوامل جامعه شناختی موثر در طلاق عاطفی در بین خانواده های تهرانی. فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده. دوره ۱۴، شماره ۵۶، ۱۵۳-۱۲۰.
- جلالوند، مژگان؛ نوبی نژاد، شکوه؛ رضازاده بهادران، حمیدرضا؛ خسروی بابادی، علی اکبر (۱۴۰۱). مدل یابی معادلات ساختاری طلاق عاطفی بر اساس طرحواره های ناسازگار اولیه، همدلی عاطفی با میانجی گری تنظیم هیجان در زنان متأهل. فصلنامه علمی پژوهشی خانواده درمانی کاربردی. دوره ۳، شماره ۱۰، ۱۷۷-۲۰۶.
- جلالی، ایران؛ سروقد، سیروس (۱۳۹۱). نقش واسطه ای طرحواره های شناختی ناسازگار در ارتباط با فرآیند و محتوای خانواده و شیوه های مقابله با تعارض نوجوانان. فصلنامه روش ها و مدل های روان شناختی. دوره ۲، شماره ۷، ۳۷-۱۹.
- حسینانی، علی؛ کاویانی، محمد (۱۳۹۸). پیش بینی طلاق عاطفی بر اساس سبک های تصمیم گیری و ساختار قدرت در خانواده در زنان شاغل. مطالعات زن و خانواده. دوره ۷، شماره ۳، ۱۵۱-۱۲۹.
- دهقانی ششده، زهرا؛ یوسفی، زهرا (۱۳۹۸). مدل سازی معادلات ساختاری میل به طلاق بر اساس متغیرهای سیستمی و متغیرهای روان شناختی و متغیرهای اجتماعی مادران شهر اصفهان. فصلنامه خانواده پژوهی دوره ۱۵، شماره ۵۷، ۱۷۱-۱۵۵.
- دهقانی، زهرا؛ محمدی، اصغر؛ حقیقتیان، منصور (۱۳۹۸). بررسی جامعه شناختی پیامدهای اجتماعی طلاق زنان شهر تهران. پژوهش های راهبردی مسائل اجتماعی ایران. دوره ۸، شماره ۱، ۹۷-۱۱۵.
- علوی لواسانی، اکرم السادات؛ احمدی ظهور سلطانی، محسن (۱۳۹۶). همبستگی بدر رفتاری در کودکی با طلاق عاطفی: نقش واسطه ای سبک های دلبستگی، طرحواره های ناسازگار اولیه و دشواری در تنظیم هیجان. فصلنامه مدیریت ارتقای سلامت. دوره ۶، شماره ۴، ۵۸-۴۹.
- محمدی، محمد؛ اژه ای، جواد؛ لواسانی، مسعود (۱۳۹۷). اثربخشی آموزش رویکرد هیجان مدار بر دلزدگی زناشویی و میل به طلاق در زوج ها. مجله روان شناسی. دوره ۴، شماره ۲۲، ۳۷۸-۳۶۲.
- مرادی، ع؛ فاتحی زاده، م؛ احمدی علون آبادی، س؛ اعتمادی، ع (۱۳۹۷). اثربخشی درمان بین فردی فراشناختی بر آسیب های تعاملی زوجی مردان دارای علائم شخصیت خودشیفته. فصلنامه مطالعات روان شناسی بالینی. دوره ۸، شماره ۳۲، ۲۷-۱.
- موسوی خرمی، زهرا؛ دوکانه ای فرد، فریده؛ خاکپور، رضا (۱۳۹۹). الگوی طلاق عاطفی بر اساس مولفه های طرحواره های ناسازگار اولیه و سبک های دلبستگی با میانجی گری هوش هیجانی. فصلنامه سبک زندگی با محوریت سلامت. دوره ۴، شماره ۳، ۷۴-۶۶.
- موسوی، سیده فاطمه؛ رحیمی نژاد، عباس (۱۳۹۴). مقایسه منزلت های هویت بین فردی زنان و مردان متأهل با توجه به وضعیت طلاق عاطفی. فصلنامه پژوهش های کاربردی روان شناختی. دوره ۶، شماره ۱، ۲۴-۱۱.
- یانگ، جفری (۲۰۰۳). طرحواره درمانی: راهنمای کاربردی برای متخصصین بالینی. ترجمه حسن حمیدپور و زهرا اندوز (۱۳۹۸). تهران: انتشارات ارجمند.

American Psychiatric Association. 2013. Diagnostic and Statistical Manual of Mental Disorders, Fifth Edition. Arlington, VA, American Psychiatric Association.

Campbell, W.K., Hoffman, B.J., Campbell, S.M. & Marchisio, G. 2011. Narcissism in Organizational

- Contexts. Human Resource Management Review, 21: 268-284.
- Chau RF, Sawyer WN, Greenberg J, Mehl MR, Sbarra DA. (2021). Emotional recovery following divorce: Will the real self-compassion please stand up? Journal of Social and Personal Relationships; 39(4): 996-1022.
- Fox, J., & Rooney, M. C. (2015). The Dark Triad and trait self-objectification as predictors of men's use and self-presentation behaviors on social networking sites. Personality and Individual Differences, 76, 161-165.
- George, F.R., & Short, D. (2018). The Cognitive Neuroscience of Narcissism. Journal of Brain, Behaviour and Cognitive Sciences, 1(1), 1-9.
- Inancsi, T. Lang, A. & Bereczkei, T. (2016). A darker shade of love: Machiavellianism and positive assortative mating based on romantic ideals. Europe's Journal of Psychology, 12(1), 137-152
- Jarwan AS, Al-Frehat BM. (2020). Emotional divorce and its relationship with psychological hardness. International Journal of Education and Practice; 8(1): 72-85.
- Jonason, P. K., & Krause, L. (2013). The emotional deficits associated with the Dark Triad traits: Cognitive empathy, affective empathy, and alexithymia. Personality and Individual Differences, 55(5), 532-537.
- Jonason, P. K., Webster, G. D. (2010). The dirty dozen: A concise measure of the dark triad. Psychological Assessment, 22(2), 420-432
- Jonason, P.K., & Fletcher, S.A. 2018. Agentic and communal behavioral biases in the Dark Triad traits. Personality and Individual Differences, 130: 76-82.
- Kanter, J. B., Proulx, C. M., & Monk, J. K. (2019). Accounting for Divorce in Marital Research: An Application to Growth Mixture Modeling. Journal of Marriage and Family, 81(2), 520-530.
- Koladich, S. J., & Atkinson, B. E. (2016). The dark triad and relationship preferences: A replication and extension. Personality and Individual Differences, 94, 253-255
- Lavner, J. A., Lamkin, J., Miller, J. D., Campbell, W. K., & Karney, B. R. (2016). Narcissism and newlywed marriage: Partner characteristics and marital trajectories. Personality Disorders: Theory, Research, and Treatment, 7(2), 169-179.
- Munuera C, Roux P, Weil F, Passerieux C, M, Bailara K. (2020). Determinants of the remission heterogeneity in bipolar disorders: The importance of early maladaptive schemas (EMS). Journal of Affective Disorders; 277: 857-868.
- Pehlivanli, E. İkizer, G (2020). Marriage in Rural or Urban Areas: A Survey of Marital Satisfaction and Initial Disorder Plans. 9(21): 361-395.
- Tariq A, Quayle E, Laqrie SM, Reid C, Chan SWY. (2021). Relationship between early maladaptive schemas and anxiety in adolescence and young adulthood: A systematic review and meta-analysis. Journal of Affective Disorders; 295: 1462-1473.
- Uysal, A. N. (2016). Predicting relationship satisfaction: Dark triad personality traits, love attitudes, attachment dimensions (Master's thesis, Doguş Üniversitesi Sosyal Bilimler Enstitüsü).
- Van Gasse, D., & Mortelmans, D. (2020). Reorganizing the Single Parent Family System: Exploring the Process Perspective on Divorce. Family Relations, 69(5), 1100-1112. doi:10.1111/fare.12432.